زیر نظر استاد محقق
آیة اللّه العظمیٰ ناصر مکارم شیرازی

تفسیر نمونه

تفسیر و بررسی تازه‌ای دربارهٔ قرآن مجید
با در نظر گرفتن نیازها، خواست‌ها،
پرسش‌ها، مکتب‌ها و مسائل روز

جلد نهم

با همکاری
جمعی از فضلاء و دانشمندان

٦ وَ ما مِنْ دَابَّة فِى الأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللّهِ رِزْقُها وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها كُلٌّ فى كِتاب مُبين

ترجمه:

٦ ـ هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند; همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! (در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا).

تفسیر:

همه میهمان اویند!

در آخرین آیه ای که گذشت، اشاره ای به وسعت علم پروردگار و احاطه او به اسرار نهان و آشکار شده بود، آیه مورد بحث، در حقیقت دلیلی برای آن محسوب می شود; چرا که از روزی دادن خداوند به همه موجودات سخن می گوید، همان کاری که بدون احاطه علمی کامل به همه جهان امکان پذیر نیست!

نخست می گوید: «هیچ دابّه ای در روی زمین نیست، مگر این که رزق و روزی آن بر خدا است، قرارگاه او را می داند، و از نقاطی که از قرارگاهش به آن منتقل می شود (نیز) باخبر است» و در هر جا باشد روزیش را به او می رساند (وَ ما مِنْ دَابَّة فِى الأَرْضِ إِلاَّ عَلَى اللّهِ رِزْقُها وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها).

«تمام این حقائق، با همه حدود و مرزهایش در کتاب مبین و لوح محفوظ علم خداوند ثبت است» (كُلٌّ فى كِتاب مُبين).

براى فهم معنى آيه نكات زير را مورد توجه قرار مى دهيم:

۱ ـ گر چه «دابّة» از ماده «دبيب» به معنى آهسته راه رفتن، و قدم هاى كوتاه برداشتن است، ولى از نظر مفهوم لغوى، هر گونه جنبنده اى را شامل مى شود، اما گاهى به خصوصِ اسب و يا هر حيوان سوارى اطلاق مى گردد، بنابراين آيه مورد بحث، تمام موجودات زنده و همه جنبندگان را شامل است.

۲ ـ «رزق» به معنى عطاء و بخشش مستمر است، و از آنجا كه روزى الهى عطاى مستمر او به موجودات است، به آن «رزق» گفته مى شود.

اين نكته نيز لازم به تذكر است كه، مفهوم آن تنها در نيازهاى مادى خلاصه نمى شود، بلكه هر گونه عطاى مادى و معنوى را شامل مى گردد، لذا مى گوئيم: أللّهُمَّ ارْزُقْنِى عِلْماً تامّاً: «خداوندا علم كامل به من روزى كن» و يا مى گوئيم: أللّهُمَّ ارْزُقْنِى الشَّهادَةَ فِى سَبِيْلِكَ: «خداوندا شهادت در راهت را نصيب من بگردان».

البته، در آيه مورد بحث، ممكن است نظر بيشتر روى ارزاق مادى بوده باشد، هر چند اراده مفهوم عام، نيز چندان بعيد نيست.

۳ ـ «مُسْتَقَر» در اصل، به معنى «قرارگاه» است; زيرا ريشه اين لغت از ماده «قُرّ» (بر وزن حُرّ) به معنى «سرما»ى شديد مى باشد، كه انسان و موجودات زنده را خانه نشين مى كند، به همين جهت به معنى سكون و توقف نيز آمده است.

«مُسْتَوْدَع» و «وديعه» از يک ماده است، و در اصل، به معنى رها كردن چيزى است.

و از آنجا كه امور ناپايدار رها مى شوند، و به حالت اول باز مى گردند، به هر امر ناپايدار، «مُسْتَوْدَع» گفته مى شود، «وديعه» را نيز به خاطر اين كه، سرانجام بايد محل خود را رها كند، و به صاحب اصلى باز گردد «وديعه» گفته اند.

در حقیقت آیه فوق، می گوید: تصور نشود خداوند تنها به جنبندگانی که در جایگاه اصلی قرار دارند، روزی می بخشد، و به اصطلاح سهمیه آنها را در خانه هایشان می آورند، بلکه هر کجا باشند و در هر وضع و شرائطی قرار گیرند، سهم روزی آنها را به آنان می بخشد; چرا که هم جایگاه اصلی آنان را می داند، و هم از تمام نقاطی که به آن نقل و مکان می کنند، باخبر است.

از حیوانات غول پیکر دریائی گرفته، تا جنبندگان بسیار کوچکی که به زحمت به چشم دیده می شوند، هر یک مناسب حالشان آنچه را لازم دارند مقرر کرده است.

این روزی به اندازه ای حساب شده و مناسب حال موجودات است که، از نظر «کمیت» و «کیفیت» کاملاً منطبق بر خواسته ها و نیازهای آنها است، حتی غذای کودکی که در رحم مادر است، هر ماه بلکه هر روز، با ماه و روز دیگر تفاوت دارد، هر چند ظاهراً یک نوع بیشتر نیست، و نیز کودک در دوران شیرخوارگی با این که ظاهراً ماه های پی در پی غذای واحدی دارد، اما ترکیب این شیر هر روز با روز دیگر متفاوت است!.

٤ ـ «کِتاب مُبین» به معنی نوشته آشکار است، و اشاره به مرحله ای از علم وسیع پروردگار می باشد، که گاهی از آن تعبیر به «لوح محفوظ» می شود.

ممکن است این تعبیر، اشاره به آن باشد که، هیچ کس نباید برای به دست آوردن روزی خود کمترین نگرانی به خویش راه دهد، و تصور کند ممکن است در گرفتن سهم خویش، به اصطلاح، از قلم بیفتد; چرا که نام همگی در کتاب آشکاری ثبت است، کتابی که همه را احصاء کرده و آشکارا بیان می کند.

آیا اگر در یک مؤسسه، نام تمام کارمندان و کارکنان در دفتری به روشنی ثبت شده باشد احتمال از قلم افتادن کسی می رود؟!

نکته:

تقسیم ارزاق و تلاش برای زندگی

در مورد «رزق» بحث های مهمی است، که قسمتی از آن را در اینجا از نظر می گذرانیم:

۱ ـ «رزق»

همان گونه که گفتیم در لغت به معنی بخشش مستمر و متداوم است، اعم از مادّی یا معنوی، بنابراین، هر گونه بهره ای را که خداوند نصیب بندگان می کند، از مواد غذائی، مسکن و پوشاک، و یا علم و عقل و فهم و ایمان و اخلاص، به همه اینها «رزق» گفته می شود، و آنها که مفهوم این کلمه را محدود به جنبه های مادی می کنند، توجه دقیق به موارد استعمال آن ندارند.

قرآن درباره شهیدان راه حق می گوید: بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُون: «آنها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می برند»(۱) روشن است روزی شهیدان، آن هم در جهان برزخ، نعمتهای مادی نیست، بلکه همان مواهب معنوی است، که حتی تصورش برای ما در این زندگی مادی مشکل است.

* * *

۲ ـ تأمین نیازمندی ها

مسأله تأمین نیازمندی های موجودات زنده، و به تعبیر دیگر رزق و روزی آنها، از جالب ترین مسائلی است که با گذشت زمان و پیشرفت علم، پرده از اسرار آن برداشته می شود، و صحنه های شگفت انگیز تازه ای از آن، به وسیله علم فاش می گردد.

در گذشته، همه دانشمندان در فکر بودند، اگر در اعماق دریاها موجودات

۱ ـ آل عمران، آیه ۱٦٩.

زنده ای وجود داشته باشد، غذای آنها از چه راهی تأمین می شود; زیرا ریشه اصلی غذاها به نباتات و گیاهان باز می گردد، که آن هم نیازمند به نور آفتاب است، و در اعماق بیش از ۷۰۰ متر مطلقاً نوری وجود ندارد، و یک شب تاریک ابدی بر آن سایه افکنده است.

ولی به زودی روشن شد، نور آفتاب، گیاهان ذره بینی را در سطح آب، و در بستر امواج پرورش می دهد، و هنگامی که مرحله تکاملی خود را پیمود، همچون میوه رسیده ای، به اعماق دریا فرو می رود، و سفره نعمت را برای موجودات زنده ژرفنای آب فراهم می سازند.

از سوی دیگر، بسیارند پرندگانی که از ماهیان دریا تغذیه می کنند، حتی انواعی از شب پره وجود دارد، که در ظلمت شب، همچون یک غوّاص ماهر به اعماق آب فرو می رود، و صید خود را که با امواج مخصوص رادار مانندی، که از بینی آنها بیرون فرستاده می شود شناسائی و نشانه گیری کرده، بیرون می آورد.

روزیِ بعضی از انواع پرندگان، در لابلای دندان های پاره ای از حیوانات عظیم الجثه دریا نهفته شده! این حیوانات که پس از تغذیه از حیوانات دریائی دندان هایشان احتیاج به یک «خلال طبیعی»! دارد، به ساحل می آیند، دهانشان را که بی شباهت به غار کوچکی نیست باز نگه می دارند، آن گروه از پرندگان که روزیشان در اینجا حواله شده است، بدون هیچ گونه وحشت و اضطراب وارد این «غار» می شوند، و به جستجوی روزی خویش، در لابلای دندان های حیوان غول پیکر می پردازند، هم شکمی از این غذای آماده، از عزا در می آورند، و هم حیوان را از این مواد مزاحم راحت می سازند، و هنگامی که برنامه هر دو پایان پذیرفت، و آنها به خارج پرواز کردند، حیوان با احساس آرامش، دهان را به روی هم می گذارد، و به اعماق آب فرو می رود!

راستی طرز روزی رساندن خداوند به موجودات مختلف، حیرت انگیز است، از جنینی که در شکم مادر قرار گرفته، و هیچ کس به هیچ وجه در آن ظلمت کده اسرارآمیز به او دسترسی ندارد، تا حشرات گوناگونی که در اعماق تاریک زمین، و لانه های پرپیچ و خم، و در لابلای درختان و بر فراز کوه ها و در قعر دره ها زندگی دارند، هیچ کدام از دیدگاه علم او هرگز مخفی و پنهان نیستند، و همان گونه که قرآن می گوید: خداوند، هم جایگاه و «آدرس اصلی» آنها را می داند، و هم محل سیار آنان را، هر جا باشند روزی آنان را به آنان حواله می کند.

جالب این که، در آیات فوق، به هنگام بحث از روزی خواران تعبیر به «دابه و جنبنده» شده است، و این اشاره لطیفی به مسأله رابطه «انرژی» و «حرکت» است.

می دانیم، هر جا حرکتی وجود دارد نیازمند به ماده انرژی زا است، یعنی ماده ای که منشأ حرکت گردد، قرآن نیز، در آیات مورد بحث می گوید: خدا به تمام موجودات متحرک روزی می بخشد!

و اگر حرکت را به معنی وسیعش تفسیر کنیم، گیاهان را هم در بر می گیرد، زیرا آنها نیز یک حرکت بسیار دقیق و ظریف در مسیر «نمو» دارند، به همین دلیل در فلسفه ما، یکی از اقسام حرکت را مسأله «نمو» شمرده اند.

* * *

۳ ـ روزی تا پایان عمر

آیا «روزی» هر کس از آغاز تا پایان عمر تعیین شده، و خواه ناخواه به او می رسد؟ یا این که باید به دنبال آن رفت، و به گفته شاعر: «شرط عقل است جستن از درها»!

بعضی از افراد سست و بی حال، به اتکاء تعبیراتی همانند آیه فوق، یا

روایاتی که روزی را مقدر و معین معرفی می کند، فکر می کنند: لزومی ندارد که انسان برای تهیه معاش زیاد تلاش کند; چرا که روزی مقدر است، و در هر حال به انسان می رسد، و هیچ دهان بازی بدون روزی نمی ماند!

این چنین افراد نادان، که شناختشان درباره دین و مذهب فوق العاده سست و ضعیف است، بهانه به دست دشمنان می دهند، که مذهب، عاملی است برای تخدیر، رکود اقتصادی و خاموش کردن فعالیت های مثبت زندگی، و تن در دادن به انواع محرومیت ها، به عذر این که، اگر فلان موهبت نصیب من نشده، حتماً روزی من نبوده، اگر روزی من بود، بدون چون و چرا به من می رسید، و این فرصت خوبی به دست استثمارگران می دهد، که هر چه بیشتر خلق های محروم را بدوشند، و آنها را از ابتدائی ترین وسائل زندگی محروم سازند.

در حالی که، مختصر آشنائی به قرآن و احادیث اسلامی، برای پی بردن به این حقیقت کافی است که، اسلام پایه هر گونه بهره گیری مادی و معنوی انسان را سعی و کوشش و تلاش می شمرد، تا آنجا که در جمله شعارگونه قرآنی «لَیْسَ لِلإِنْسانِ إِلاّ ما سَعی»(۱) بهره انسان را منحصراً در کوشش و کارش قرار می دهد.

پیشوایان اسلامی، برای این که سرمشقی به دیگران بدهند در بسیاری از مواقع کار می کردند، کارهائی سخت و توان فرسا.

پیامبران پیشین نیز، از این قانون مستثنی نبودند، از چوپانی گرفته، تا خیاطی، زره بافی و کشاورزی، اگر مفهوم تضمین روزی از طرف خدا، نشستن در خانه و انتظار رسیدن روزی باشد، نباید پیامبران و امامان، که از همه آشناتر به مفاهیم دینی هستند، این همه برای روزی تلاش کنند.

بنابراین، روزیِ هر کس مقدّر و ثابت است، ولی در عین حال مشروط به

---

۱ ـ نجم، آیه ۳۹.

تلاش و کوشش می باشد، و هر گاه این شرط حاصل نشود، مشروط نیز از میان خواهد رفت.
این درست به آن می ماند که می گوئیم: «هر کس، اجلی دارد و مقدار معینی از عمر» مسلماً، مفهوم این سخن آن نیست که اگر انسان حتی دست به انتحار و خودکشی و یا تغذیه از مواد زیان بخش بزند، تا اجل معینی زنده می ماند، بلکه مفهومش این است: این بدن، استعداد بقاء تا یک مدت قابل ملاحظه دارد، اما مشروط به این که اصول بهداشت را رعایت کند، و از موارد خطر بپرهیزد، و آنچه را که سبب مرگ زودرس می شود، از خود دور کند.
نکته مهم این است که: آیات و روایات مربوط به معین بودن روزی، در واقع ترمزی است روی افکار مردم حریص و دنیاپرست، که برای تأمین زندگی به هر در می زنند، و هر ظلم و جنایتی را مرتکب می شوند، به گمان این که اگر چنین نکنند زندگیشان تأمین نمی شود.
آیات قرآن و احادیث اسلامی، به این گونه افراد هشدار می دهد: بیهوده دست و پا نکنند، و از طریق نامعقول و نامشروع برای تهیه روزی تلاش ننمایند، همین اندازه که آنها در طریق مشروع گام بگذارند، و تلاش و کوشش کنند، مطمئن باشند خداوند از این راه، همه نیازمندی های آنها را تأمین می کند.
خدائی که، آنها را در ظلمتکده رحم فراموش نکرد.
خدائی که، به هنگام طفولیت، که توانائی بر تغذیه از مواد غذائی این جهان را نداشتند، روزیشان را قبل از تولد به پستان مادر مهربان حواله کرد.
خدائی که، به هنگام پایان دوران شیرخوارگی، در آن حال که ناتوان بودند، روزیشان را به دست پدری پر مهر داد، که صبح تا شام جان بکند، و خوشحال باشد که برای تهیه غذای فرزندانش زحمت می کشد.

آری، این خدا چگونه ممکن است به هنگامی که انسان بزرگ می شود، توانائی و قدرت به هر گونه کار و فعالیت پیدا می کند او را فراموش نماید؟!

آیا عقل و ایمان اجازه می دهد انسان در چنین حالی، به گمان این که ممکن است روزیش فراهم نشود، در وادی گناه و ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران گام بگذارد، و حریصانه به غصب حق مستضعفان پردازد؟!

البته، نمی توان انکار کرد که بعضی از روزی هاست، چه انسان به دنبال آن برود، یا نرود، به سراغ او می آیند.

آیا می توان انکار کرد که، نور آفتاب بدون تلاش ما به خانه ما می تابد؟!

و یا باران و هوا بدون کوشش و فعالیت به سراغ ما می شتابند؟!

آیا می توان انکار کرد که عقل و هوش، و استعدادی که از روز نخست در وجود ما ذخیره شده، به تلاش ما نبوده است!؟

ولی، این گونه مواهبِ به اصطلاح باد آورده، و یا به تعبیر صحیح تر مواهبی که بدون تلاش، به لطف خدا، به ما رسیده، اگر با تلاش و کوشش خود از آن به طور صحیحی نگهداری نکنیم، آنها نیز از دست ما خواهد رفت، و یا بی اثر می ماند.

حدیث معروفی که از علی(علیه السلام) نقل شده که فرمود: وَ اعْلَمْ یا بُنَیَّ أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ یَطْلُبُکَ: «بدان فرزندم، روزی دو گونه است، یک نوع آن، همان روزی هائی است که تو باید به جستجویش برخیزی، و گونه دیگرش، روزی هائی است که آن در جستجوی تو است و به سراغ تو می آید»(۱) نیز اشاره به همین حقیقت است.

---

۱ ـ «نهج البلاغه»، نامه ۳۱، وصیت امام(علیه السلام) به فرزندش امام حسن(علیه السلام) ـ «بحار الانوار»، جلد ۱۰۰، صفحه ۳۹، حدیث ۸۸.

این را نیز نمی توان انکار کرد که، در پاره ای از موارد انسان به دنبال چیزی نمی رود، ولی بر اثر یک سلسله تصادف ها، موهبتی نصیب او می شود، این حوادث گر چه در نظر ما تصادف است، اما در واقع و از نظر سازمان آفرینش حسابی در آن می باشد.

بدون شک، حساب این گونه روزی ها از روزی هائی که در پرتو تلاش و کوشش به دست می آیند جدا است، و حدیث بالا ممکن است اشاره به اینها نیز باشد.

ولی به هر حال، نکته اساسی این است که: تمام تعلیمات اسلامی به ما می گوید: برای تأمین زندگی بهتر چه مادی و چه معنوی، باید تلاش بیشتر کرد، و فرار از کار، به گمان مقسوم بودن روزی، غلط است.

* * *

٤ ـ متاع حسن!

در آیات مورد بحث، تنها اشاره به مسأله «رزق و روزی» شده، در حالی که در چند آیه قبل، آنجا که سخن از بندگان توبه کار و باایمان می گوید، اشاره به «متاع حسن» (بهره برداری و تمتع شایسته) شده است.

مقابله این دو با یکدیگر، این مطلب را به ما می فهماند که برای همه جنبندگان: انسان ها، حشرات، درندگان، نیکان و بدان، همگی بهره ای از روزی است، ولی «متاع حسن» و «مواهب شایسته و ارزنده» تنها مخصوص انسان های با ایمانی است که، خود را با آب توبه از هر گونه گناه و آلودگی شستشو داده اند، و نعمتهای خدا را در مسیر اطاعت فرمانش به کار می گیرند، نه در طریق هوا و هوس های سرکش!.

* * *